

سرمقاله

درس‌های «هم‌افزایی ملی در بحران»
برای آینده ایران

ادامه از صفحه ۱

... قرار گرفتن مقاومت، هم‌افزایی، ایستادگی و هم‌افزایی در جنگ رمضان، نشان داد وقتی پای منافع ملی در میان باشد، مرزهای معمول میان دست‌انگانه‌ها، نهادهای و حتی سلیقه‌های سیاسی رنگ می‌بازد و یک هویت مشترک به نام «ایران» در مرکز تصمیم و عمل قرار می‌گیرد. تاریخ نشان داده است در شرایط جنگی، کشورها یا دچار چندپارگی درونی می‌شوند یا به سطحی بالاتر از انسجام دست پیدا می‌کنند آنچه امروز در ایران شاهد آن هستیم، مصداق روشنی از مسیر دوم است. امروز نیروهای نظامی با اقتدار در میدان دفاع حضور دارند، دستگاه دیپلماتی با دقت و هوشمندی در حال مدیریت صحنه بین‌المللی است و دولت با تمام ظرفیت تلاش می‌کند زندگی روزمره مردم را کمترین اختلال ادامه پیدا کند.

این یک تقسیم کار صرف نیست؛ بلکه یک «هرک مشترک» از مسئولیت ملی در این لحظه خاص تاریخی است. در این میان، شاید مهم‌ترین ویژگی این دوره، غیبت کامل «هم‌فکران» باشد در شرایطی که می‌توانست رقبای سیاسی یا لابی به ملعی برای تصمیم‌گیری سریع و خدمت‌رسانی فوری به مردم تبدیل شود، شاهد هستیم که همه از کزن، از نظامی تا اجرائی و خدمت‌های فقط یک هدف واحد را دنبال می‌کنند. انجام مسئولیت‌های خود در قبال مردم این سرمایه، همان «هم‌افزایی» و «هم‌افزایی» است که اگر حفظ و تقویت شود، می‌تواند به الگویی پایدار برای حکمرانی در آینده تبدیل شود. دولت از اولین روزهای تجلوز نظامی به میهن، بر این اصل تأکید داشت که «امنیت و آرامش مردم» خط قرمز است. در همین راستا، تأمین کالاهای اساسی بدون وقفه ادامه یافت، شبکه توزیع با دقت مدیریت شد و با وجود فشارهای بیرونی، کشور با کمبود جدی در حوزه اقلام ضروری مواجه نشد. البته هیچ‌کس منکر فشارهای اقتصادی و کمبودهای ناشی از این فشارها نیست، اما تفاوت مهم اینجاست که این فشارها به «اختلال» در زندگی مردم تبدیل نشد. این دستاورد نتیجه «هم‌افزایی» نزدیک میان بخش‌های مختلف اجرائی، نظارتی و حتی بخش خصوصی است.

در حوزه زیرساخت نیز با وجود آسیب دشمنان به تأسیسات در برخی نقاط کشور، روند بازسازی و بازگشت به مدار خدمت‌رسانی با سرعت قابل توجهی در حال انجام است. کارکنان حوزه انرژی، حمل‌ونقل، بهداشت و سایر خدمات حیاتی، در این روزها نقش قهرمانی بی‌نامی را ایفا می‌کنند که شاید کمتر دیده شوند، اما ستون‌های اصلی پایدار کشور هستند.

از سوی دیگر، دیپلماتی فعال جمهوری اسلامی ایران نشان داد «میدان» و «هتاک» نه در دو سمت متفاوت بلکه در امتداد یکدیگر عمل می‌کنند. دستگاه دیپلماتی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و با تأکید بر اولی‌درهای ناشی از مقاومت نیروهای مسلح، تلاش کرد از یک سو روایت واقعی از شرایط کشور را به جهان منتقل و از سوی دیگر، مسیرهای مدیریت تنش را پیگیری کند. این همان چیزی است که می‌توان از آن به عنوان «دیپلماتی در شرایط جنگی» یاد کرد. دیپلماتی‌ای که نه از موضع ضعف، بلکه بر پایه «قدرت ملی» شکل می‌گیرد.

تجربه این روزها، یک درس مهم برای آینده ایران دارد. کشور زمانی موفق‌تر عمل می‌کند که همه اجزای آن، به جای رقابت‌های فرساینده در چهارچوب یک هدف مشترک و در یک تقسیم کار مشترک حرکت کنند. این به معنای حذف اختلالات جانبی است، بلکه به معنای مدیریت آنها در جهت تأمین هر چه بیشتر منافع ملی است. آنچه امروز به عنوان «وحدت در میدان» و «هم‌افزایی در تصمیم‌گیری» مشاهده می‌کنیم، می‌تواند به الگویی برای مواجهه با سایر چالش‌های کشور نیز تبدیل شود. از مسائل اقتصادی گرفته تا تحولات اجتماعی در این میان، نقش مردم را نمی‌توان نادیده گرفت. همراهی، صبوری و درک شرایط از سوی جامعه، یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در مدیریت این دوره بوده است. مردم ایران بارها نشان داده‌اند در لحظات حساس، با باور و مسئولیت‌پذیری برای کشور خود می‌ایستند.

این سرمایه اجتماعی بزرگ‌ترین پشتوانه هر سیاست‌گذاری است و باید با صداقت، شفافیت و پاسخگویی از آن حیثیت کرد. آنچه امروز در حوزه‌های مختلف، از دولت و بخش‌های نظامی تا بخش‌های امدادی و مردم، در حال شکل‌گیری است، فقط یک واکنش به یک بحران فوری نیست، بلکه نقطه‌ای کلیدی است برای بازتعریف کارآمدی، هماهنگی و مسئولیت‌پذیری این مسیر نیاژمند تداوم است. وحدتی که در شرایط بحران شکل می‌گیرد، اگر به یک فرهنگ مدیریتی تبدیل نشود، به تدریج کمرنگ خواهد شد. امروز فرصتی تاریخی پیش روی ماست تا نه‌تنها در همین دوران، بلکه در دیدگاه‌ها در عمل یکپارچه بود و می‌توان در عین فشارهای بیرونی، با اکتفا به ظرفیت‌های داخلی مسیر پیشرفت را ادامه داد. اگر این تجربه به درستی فهم و تثبیت شود، نه‌تنها عبور از این مقطع را تسهیل می‌کند، بلکه می‌تواند نقشه راهی برای آینده‌ای باثبات‌تر، کارآمدتر و منسجم‌تر برای ایران باشد.

فاطمه مهاجرانی
سخنگوی دولت
Alborz.payam@gmail.com

پیام آشنا گزارش می‌دهد
تنگه هر مز؛ آبراهی که به اقتصاد جهان فرمان می‌دهد



اختصاصی پیام آشنا- تنگه هر مز دیگر صرفاً یک مسیر انتقال نفت نیست؛ این آبراهه برایک به یکی از مهم‌ترین نقاط تعیین‌کننده در امنیت اقتصادی جهان تبدیل شده است. هرگونه اختلال در آن، زنجیره‌های از بحران‌ها را از بازار انرژی تا کشاورزی و صنعت در مقیاس جهانی فعال می‌کند.

گلوگاهی فراتر از جغرافیا
در نظم اقتصادی امروز، برخی نقاط جغرافیایی نقشی فراتر از اندازه خود دارند و تنگه هر مز یکی از بارزترین نمونه‌هاست. این گذرگاه در دهله خلیج فارس، محل عبور بخش قابل توجهی از انرژی جهان است و همین ویژگی، آن را به یک اهرم ژئوپلیتیکی کم‌نظیر تبدیل کرده است. بر اساس گزارش‌های منتشرشده در رسانه‌های داخلی، حدود یک‌نهم نفت جهان و سهم قابل توجهی از گاز طبیعی مایع از این مسیر عبور می‌کند؛ رقمی که به‌تنهایی نشان‌دهنده وزن راهبردی این منطقه است.

اقتصاد جهانی روی یک مسیر پارکد
اهمیت تنگه هر مز تنها به نفت و گاز محدود نمی‌شود. این آبراه، شاهراه انتقال مجموعه‌ای از مواد اولیه حیاتی برای اقتصاد جهانی است؛ از کودهای شیمیایی و گوگرد گرفته تا محصولات پتروشیمی و فلزات پایه. همین تنوع کالاهای عبوری باعث شده هرگونه اختلال در آن، اثراتی چندلایه و زنجیره‌ای بر اقتصاد جهانی بر جای بگذارد.

شوگ انرژی؛ اولین موج بحران
نخستین و فوری‌ترین پیامد انسداد تنگه هر مز، بروز شوگ در بازار انرژی است. افزایش ناگهانی قیمت نفت و گاز، هزینه تولید را در بسیاری از کشورهای بالا می‌برد و فراتر از حوزه تولید اقتصادی وابسته به واردات انرژی ایجاد می‌کند. در این میان، کشورهای آسیایی به دلیل وابستگی بالا به منابع انرژی خلیج فارس، بیش از دیگران در معرض آسیب قرار دارند.

کشاورزی؛ قربانی پنهان بحران
یکی از پیام‌های کمتر دیده‌شده این مسئله، تأثیر آن بر کشاورزی و امنیت غذایی است. کشورهای حوزه خلیج فارس از تولیدکنندگان مهم کودهای شیمیایی در جهان است و بخش قابل توجهی از تجارت جهانی اوره از این منطقه تأمین می‌شود.

اختلال در صادرات این محصولات، به‌ویژه برای کشورهایی که به واردات کود وابسته‌اند، به معنای کاهش بهره‌وری زمین‌های کشاورزی و در نهایت اکت تولید محصولات غذایی است. پیامدی که می‌تواند به افزایش قیمت مواد غذایی و تشدید ناامنی غذایی منجر شود.

صنعت در تنگنا
در کنار کشاورزی، بخش صنعت نیز به شدت از چنین بحران تأثیر می‌پذیرد. بسیاری از صنایع جهانی به مواد اولیه‌ای وابسته‌اند که از مسیر تنگه هر مز عبور می‌کنند. کاهش عرضه این مواد، از جمله محصولات پتروشیمی و فلزات، به افزایش هزینه تولید در صنایعی مانند خودروسازی، نساجی و ساختوساز می‌انجامد. نتیجه افزایش قیمت کالاهای مصرفی و فشار بر مصرف‌کنندگان.

بازتعریف معادلات قدرت
در سطح کلان، انسداد تنگه هر مز تنها یک بحران اقتصادی نیست، بلکه پیامدهای ژئوپلیتیکی قابل توجهی دارد. افزایش هزینه حمل‌ونقل، تغییر مسیرهای تجاری و رشد ریسک‌های امنیتی، می‌تواند توازن قدرت اقتصادی را تغییر دهد. جایگزین یا منابع انرژی متنوع دسترسی دارند، موقعیت بهتری خواهند داشت.

گرهی در قلب اقتصاد جهانی
آنچه از تحلیل منابع داخلی برمی‌آید این است که تنگه هر مز یک گره حیاتی در شبکه اقتصاد جهانی است؛ گره‌ای که انسداد آن نه‌تنها بازار انرژی، بلکه امنیت غذایی، تولید صنعتی و ثبات اقتصادی کشورهای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این واقعیت نشان می‌دهد که اقتصاد جهانی همچنان به گلوگاهی ژئوپلیتیکی وابسته است؛ وابستگی‌ای که در شرایط بحران، می‌تواند به یک نقطه ضعف راهبردی تبدیل شود.

از مسکن تا فناوری؛ اثرات دومینویی دامنه اثرات انسداد تنگه هر مز به همین جا محدود نمی‌شود. اختلال در زنجیره تأمین مصالح ساختمانی می‌تواند بازار مسکن را نیز تحت تأثیر قرار دهد. همچنین برخی مواد مورد نیاز صنایع پیشرفته‌تر، جمله حوزه فناوری و نیمه‌هادی‌ها، از این مسیر تأمین می‌شود و هرگونه وقفه در آن می‌تواند تولید در این بخش‌ها را نیز مختل کند.

در سطح کلان، انسداد تنگه هر مز تنها یک بحران اقتصادی نیست، بلکه پیامدهای ژئوپلیتیکی قابل توجهی دارد. افزایش هزینه حمل‌ونقل، تغییر مسیرهای تجاری و رشد ریسک‌های امنیتی، می‌تواند توازن قدرت اقتصادی را تغییر دهد. جایگزین یا منابع انرژی متنوع دسترسی دارند، موقعیت بهتری خواهند داشت.

آنچه از تحلیل منابع داخلی برمی‌آید این است که تنگه هر مز یک گره حیاتی در شبکه اقتصاد جهانی است؛ گره‌ای که انسداد آن نه‌تنها بازار انرژی، بلکه امنیت غذایی، تولید صنعتی و ثبات اقتصادی کشورهای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این واقعیت نشان می‌دهد که اقتصاد جهانی همچنان به گلوگاهی ژئوپلیتیکی وابسته است؛ وابستگی‌ای که در شرایط بحران، می‌تواند به یک نقطه ضعف راهبردی تبدیل شود.

سخنگوی قرارگاه مکزکی حضرت خاتم الانبیا(ص) اعلام کرد
کنترل تنگه هر مز به حالت قبل برگشت

قیل برگشت و این تنگه راهبردی تحت مدیریت و کنترل شدید نیروهای مسلح قرار دارد. وی تصریح کرد، اعلام می‌دارد تا زمانی که آمریکا به محدودیت تردد شناورها از مبدای ایران به مقصد و از مقصد به مبدای ایران پایان ندهد، وضعیت تنگه هر مز به شدت کنترل و به حالت قبلی باقی می‌ماند.

نیت ما عبور تعداد محدودی از کشتی‌های نفتکش و تجاری از تنگه هر مز به صورت مدیریت شده و با وقت نمودولی متأسفانه آمریکا با این رویکرد، مکرر است که در سایه خود دارند همچنان به راهزنی و زدزدی دریاپی تحت عنوان به اصطلاح محاصره، ادامه می‌دهند. به همین دلیل کنترل تنگه هر مز به حالت قبلی برگشت.

آغاز اعطای تسهیلات حمایتی به کسب و کارهای آسیب دیده البرز

اقتصادی و دارایی، بنگاه‌های دارای تا ۵۰ نیروی کار بیمه شده و دارای مجوز فعالیت می‌توانند ثبت نام کنند. مبلغ تسهیلات برای هر کارگر ۴۴۰ میلیون ریال است و بازپرداخت در ۲ یا چهار قسط طی ۶ ماه انجام می‌شود. مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان البرز با بیان اینکه نرخ سود پایه ۲۳ درصد است که در صورت حفظ یا افزایش اشتغال به ۱۸ درصد کاهش می‌یابد، گفت: ثبت نام فقط از طریق سامانه

انجام است. وی خاطرنشان کرد: این تسهیلات در راستای اجرای مصوبات کارگروه اقتصادی دولت مطرح اعطای تسهیلات سرمایه در گردش کوتاه مدت با هدف حمایت از کسب و کارهای آسیب دیده، تأمین نقدینگی برای پرداخت حقوق و مزایای کارکنان و تقویت تاب آوری اقتصادی بنگاه‌ها به اجرا درآمده است. بهنامی فر بیان کرد: براساس اعلام وزارت امور

سخنگوی قرارگاه مکزکی حضرت خاتم الانبیا(ص) از بازگشت کنترل تنگه هر مز به حالت قبل در پی پدیده‌های مکرر آمریکا خبر داد و تأکید کرد: تا زمانی که آمریکا به محدودیت تردد شناورها از مبدای ایران به مقصد و از مقصد به مبدای ایران پایان ندهد، وضعیت تنگه هر مز به شدت کنترل و به حالت قبلی

مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان البرز از آغاز اعطای تسهیلات حمایتی به کسب و کارهای آسیب دیده از جنگ توسط وزارت اقتصاد خبر داد.

به گزارش پیام آشنا، فرین بهنامی فر افزود: ثبت نام تسهیلات ویژه حمایت از بنگاه‌های آسیب دیده از جنگ تا ۳۰ فروردین ماه جاری در سامانه کت به نشانی katmfair در حال

تور و معفود شدن دانشمندان آمریکایی در حوزه‌های حساسی، در کنار شواهد از لگویی عملیاتی موسسه‌ها، نه‌تنها انتقال جنگ پنهان به صحنه ساختار آمریکا است؛ راهبردی برای کنترل فناوری‌های وابسته و تسلط بر تصمیم‌گیری‌های کلان این کشور.

به گزارش پیام آشنا به نقل از تورینو، دونالد ترامپ با رویکرد سلطه‌طلبانه و تمرکز بر مناطق راهبردی و نفت‌خیز، در طول یک سال ریاست‌جمهوری خود جنگ‌های متعددی را آغاز کرد تا هم‌زمان آمریکا را تثبیت کند. با این حال، جنگ رمضان و نمایش اقتدار ایران و جبهه مقاومت، این پروژه را با شکست مواجه ساخت و به بسیاری از رویه‌های نو تبدیل شد. تفاوتی در مستثنای به اهداف نظامی، ترامپ را به سمت استفاده از ابزارهای دیگر برای مدیریت بحران سوق داد. در همین حال، آمریکا در داخل با چرایی بی‌پایه مواجه شد؛ چرایی که در قالب تور و معفود شدن دانشمندان برجسته بروز یافت.